



## بررسی دیدگاه علامه طباطبائی (رحمه الله) در باره رابطه داده های فلسفی با تعالیم وحیانی

آنچه در پی می آید مروری بر دیدگاه علامه طباطبائی (رحمه الله) در باره ارتباط میان تعالیم وحیانی و استدلالات عقلانی است. بررسی زندگی این بزرگ مرد نشان می دهد...

### مقدمه

آنچه در پی می آید مروری بر دیدگاه علامه طباطبائی (رحمه الله) در باره ارتباط میان تعالیم وحیانی و استدلالات عقلانی است. بررسی زندگی این بزرگ مرد نشان می دهد که وی توجه فراوانی به ارتباط و تطابق فلسفه با مذهب داشته است. وی پس از ترک تبریز (زادگاهش) به قصد عزیمت به قم و آغاز تدریس و تحقیق، تدریس فلسفه را بر سایر دروس ترجیح داد، بویژه آنکه در آن زمان، کلاس های سطح بالای فلسفه در قم وجود نداشت. علاوه بر آن، با تشریح نظریه طباطبائی (رحمه الله) در زمینه نکات گوناگونی نظیر دعوت قرآن به کاربرد شیوه عقلانی، استفاده او از این شیوه در تفسیر قرآن و تفسیر خاص وی در مورد آیه ویژه ای در ارتباط با اهمیت منطق، می توان روشن ساخت که علامه طباطبائی (رحمه الله) تأکید خاصی بر نقش فلسفه، منطق و استدلالات عقلانی در تفسیر وحی دارد.

### دعوت قرآن به استفاده از روش عقلانی

به گفته علامه طباطبائی (رحمه الله)، قرآن مردم را به کاربرد صحیح روش عقلانی و به پیروی از فکر و دانش دعوت نموده است. وی در این سخنان خود بر نقش فکر و دانش در زندگی بشر تأکید می نماید: «#171؛ بدیهی است که زندگی بشریک زندگی اندیشمندانه است. زندگی کامل نمی شود مگر با "ادراکی" که ما آن را "فکر" می نامیم.» (1)

علامه طباطبائی (رحمه الله) بر اساس اهمیت نقش فکر در زندگی بشر، معتقد است که هرچه فکر انسان صحیح تر و کامل تر باشد، زندگی او بهتر و استوارتر خواهد بود. وی در اثبات این نظریه به آیات زیر اشاره می نماید: (2)

1- آیا آنکه مرداری بود، سپس زنده اش کردیم و برای او روشنایی قرار دادیم تا در میان مردم راه برود همانند کسی است که در تاریکی است و قادر به خروج از آن نیست؟ (انعام: 122)

2- آیا یکسان اند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند؟ (زمر: 9)

3- خداوند در میان شما آنان را که ایمان آورده اند و دانش دارند به پایه های بلند بالا برد. (مجادله: 11)

4- پس مژده بده بندگان مرا؛ آنان که سخن را می شنوند، پس از بهترینش پیروی می کنند. آنانند که خدا رهبریشان کرده و آنانند خردمندان. (زمر: 17 و 18)

نکات ذیل را می توان به عنوان متمم کلام علامه طباطبائی (رحمه الله) ذکر نمود:

1- مرحوم علامه رابطه این آیات و نظریه خود را در این قسمت از کلامش شرح نمی دهد. در زمینه ارتباط این آیات با دیدگاه ایشان می توان گفت که ظاهراً این آیات بر اهمیت دانش برای بشر تأکید دارند. خداوند در نخستین آیات کتاب خود، دانش را به نوری، که راه زندگی بشر را روشن می سازد، تشبیه می کند. در سه آیه دیگر، قرآن مردم را به دو گروه تقسیم می نماید: کسانی که دانش را به کار می بندند و آنان که چنین نمی کنند. خداوند گروه اول را در مرتبه ای بالاتر از گروه دوم قرار می دهد. وقتی خداوند راه دانش و اندیشه را برتر می داند، لازمه آن به کاربرستن روش عقل برای کسب معرفت صحیح است.

به نظر می رسد برداشت مرحوم طباطبائی در مورد آیه اول در این مورد با تفسیر وی از همین آیه در بخش دیگری از تفسیرالمیزان تفاوت دارد. در اینجا وی این آیه را برای اثبات اهمیت دانش به طور کلی و اهمیت کاربرد روش صحیح و منطقی در تفکر از نظر قرآن ارائه می دهد، اما در جای دیگری از تفسیر المیزان، ایشان بیان می دارند که منظور از «#171؛ نور» در این آیه، هر نوع دانشی نیست، بلکه معرفتی است که از ایمان فرد مسلمان ناشی می شود. علامه (رحمه الله) در تفسیر خود، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ارائه می نماید. (3)

در این حدیث، حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) می فرمایند: «#171؛ هر که از دانش خویش بهره گیرد، خداوند به او علم نوین عطا می کند.» (4)

ظاهراً این حدیث اشاره به نوعی خاص از دانش دارد که عبارت از معرفت قلبی و درونی نسبت به خداوند و حقایق مذهبی است. بنابراین، در صورتی که علامه طباطبائی (رحمه الله) کلمه «#171؛ نور» در آیه مزبور را به معرفت معنوی تفسیر نماید، احتمالاً نمی تواند در اینجا از این آیه برای تأیید نظر خود استفاده کند؛ زیرا در این صورت، واژه «#171؛ نور» شامل اشکال دیگر علم نظیر منطق و فلسفه نمی گردد.

### تأکید قرآن بر تفکر

از نظر علامه طباطبائی (رحمه الله)، می توان بیش از سیصد مورد از آیات قرآن را، که در آنها انسان ها به فکر و به کارگیری عقل خود دعوت شده اند، ارائه نمود. علاوه بر آن، قرآن به پیامبر (صلی الله علیه وآله) شیوه های مناسبی برای ارائه حقیقت به مردم می آموزد.

همچنین خداوند در آیات دیگر قرآن، استدلال هایی را که پیامبران دیگر برای پیروان خود به منظور اثبات عقاید مذهبی به کار برده اند، ذکر می نماید. نمونه هایی از این آیات بدین قرارند:

&171#فرستادگان شان گفتند: آیا نسبت به خدایی که آفریننده آسمان ها و زمین است شکی هست؟ (ابراهیم: 10)  
لقمان هنگام نصیحت نمودن پسرش، به او می گوید: &171#ای پسر عزیزم، هیچ شریکی بر خداوند قایل مشو. آگاه باش که نسبت دادن شرک به خداوند خطایی خوفناک است.» (لقمان: 13)

&171#و مردی از کسان فرعون، که ایمان خود را پنهان می داشت، گفت: آیا شما مردی را به این دلیل که می گوید: پروردگار من خداست می گشید، در حالی که نشانه های روشنی از پروردگارتان آورده است؟» (نساء: 28) طبق این آیه، یکی از پیروان حضرت موسی (علیه السلام) اظهار می دارد که آن حضرت با خود مدارک روشنی برای اثبات وجود خداوند، به عنوان پروردگار همه انسان ها، آورده است. (5)

&171#گفتند: نگزینیم تو را به آنچه بیامد ما را از دلایل روشن، سوگند به آنکه ما را آفرید. پس بفرمای آنچه را می فرمایی. جز این نیست که این زندگی دنیا را حکم می رانی.» (طه: 72)

این آیه اشاره به زندگی حضرت موسی (علیه السلام) دارد، هنگامی که وی برای اثبات ادعای خود، دلیلی روشن ارائه نمود. با مشاهده این شواهد، کفار تغییر عقیده دادند و راه حضرت موسی (علیه السلام) را پذیرفتند. سایر پیروان فرعون، که دشمن اصلی حضرت موسی (علیه السلام) بودند، سرانجام، خطاب به فرعون گفتند: &171#ما با مشاهده نشانه های روشن موسی، دیگر پیرو تو نیستیم.» (6)

#### کاربرد روش عقلی در تفسیر قرآن

با دقت در تفسیر میزان، در مورد برخی از مفاهیم قرآنی، می توان دریافت که وی روش عقلی را در زمینه فهم وحی ترجیح می دهد. به عنوان مثال، به تفسیر ایشان از واژه &171#صراط مستقیم» (= راه راست) اشاره می نماییم. این عبارت، که به معنای راه راست می باشد، در آیات گوناگونی به چشم می خورد. (حمد: 6) ایشان در تشریح &171#راه راست» می گویند که این راه، راهی است واضح و روش و بی چون و چرا و بخش های گوناگون آن با یکدیگر هماهنگ می باشد. به گفته وی، قرآن بر انتخاب راه راست و روش صحیح فکر کردن تأکید دارد، اما آن را شرح نمی دهد، مگر با یادآوری تمایلات طبیعی مردم به آنها. با اشاره به &171#صراط مستقیم»، ایشان می گویند: روش صحیح اندیشیدن و راه صحیح همان علم منطق است که راه تشخیص قضایای منسجم از میان قضایای بدیهی و روشن را شرح می دهد. (7)

#### شرح معیارهای قوانین قرآن از سوی خودش

علامه طباطبائی (رحمه الله) معتقد است که در قرآن حتی یک آیه یافت نمی شود که انسان ها را به قبول یا پیروی کورکورانه از عقاید اسلامی دعوت کند. (8) علاوه بر آن، اسلام معیارهایی برای شریعت خود ارائه می دهد تا بدین وسیله، فواید دین خود را برای انسان ها آشکار سازد. قرآن با تشریح معیارهای قوانین خود به اختصار، به موضوعاتی اشاره می کند که برای بشر قابل فهم است؛ زیرا درک جزئیات قواعد عمومی شریعت خداند از توانایی بشر خارج است. ایشان سپس آیاتی را مطرح می کنند که بیانگر معیارهای برخی از قوانین اسلام است:

&171#همانا نماز از فحشا، (کار ناشایست) و منکر (کار ناپسند) باز می دارد و هر آینه یاد خدا بزرگتر است.» (عنکبوت: 45)  
&171#خداوند بر شما سخت نخواهد گرفت، لکن شما را پاک خواهد ساخت و نعمتش را بر شما تمام می کند که شکر گزاریید.» (مائده: 6)

علامه طباطبائی (رحمه الله) در مورد رابطه این آیات با نظریه خود توضیحی نمی دهد. احتمالاً این مسأله به دلیل روشنی ارتباط این آیات با دیدگاه ایشان می باشد. طبق این آیه، اقامه نماز، نمازگزار را از انجام کارهای زشت (فحشا) و ناپسند (منکر) باز می دارد. این آیه ظاهراً به یکی از معیارهای لزوم برپایی نماز، که عبادت و در امان داشتن مردم از مفاسد فردی و اجتماعی است، اشاره دارد. آیه دیگر، بیانگر فایده اعمال مذهبی است که در این راستا، به اتمام نعمت و برکت خداوند بر مردم و تطهیر وجود آنان از پلیدی ها اشاره کرده است.

#### اهمیت منطق در قرآن

علامه (رحمه الله) با استناد به آیه ذیل، نظریه خود را در باره علم منطق به اثبات می رساند:  
&171#با حکمت و پند نیکو، به راه پروردگار خویش بخوان و با ایشان بدانچه نکوتر است، بستیز. همانا پروردگار تو به آنکه از راه او گم شده داناتر است و او به هدایت شدگان داناتر است.» (نحل: 125)

برای تشریح نظریه وی، باید توجه داشت که موضوعات مورد بحث در علم منطق را می توان به دو گروه تقسیم نمود: نخست بررسی اشکال گوناگون استدلال یا قیاس، شروط لازمی که باید بین قضایای یک استدلال نتیجه بخش برقرار باشد، روش ترکیب آنها و نظایر آن.

دوم بررسی موضوعات گوناگونی که در قضایای یک قیاس مورد استفاده قرار می گیرند. در صورتی که مواد قضایا در یک قیاس حتمی باشد، &171#برهان» (استدلال) نامیده می شود که استنتاجی مسلم و قطعی به دنبال دارد. (9) به گفته مرحوم علامه، &171#حکمة» در این آیه، به مفهوم استدلال و برهان است. او این عقیده را با توجه به این دو نکته ثابت می کند:

1- واژه #171؛ حکمة» به معنای پی بردن به حقیقت و درک آن از طریق علم و عقل است. در نتیجه، به معنای پی بردن به حقیقت بدون هیچ شک و ابهام و یا به عبارت دیگر، همان برهان و استدلال است.

2- قرار گرفتن واژه #171؛ حکمة» در کنار کلماتی نظیر #171؛ موعظة» و #171؛ جادلهم» که وجه امری #171؛ جدل» می باشد گویای آن است که #171؛ حکمة» به معنای برهان و استدلال است؛ زیرا بر اساس علم منطق، اینها سه روش متفاوت در مباحثه اند. در این آیه خداوند از پیامبر خود (صلی الله علیه و آله) می خواهد تا مردم را به این سه روش به پیروی از پروردگار دعوت نماید. (10) #171؛ موعظه» (پند و اندرز) یعنی تشریح ویژگی های اخلاقی و اعمال پسندیده برای مردم به گونه ای که بر قلب آنان تأثیر گذارد و رفتار آنان را تغییر دهد. کسی که مایل به استفاده از این روش در بیانات خود باشد معمولاً بر نکات زیر تأکید می کند: معمولاً از یک سو، نتایج ناگوار کارهای شیطانی نظیر دروغگویی، دزدی یا کلاهبرداری و داستان زندگی یک خطاکار را شرح می دهد تا بدین وسیله، مردم را از انجام چنین اعمالی باز دارد و از سوی دیگر، از زندگی جالب و شیرین مردم درستکار و خصوصیات آنان سخن به میان می آورد. (11)

#171؛ جدل» (مناظره) نوعی مباحثه است که روشنگر واقعیت نیست، بلکه در بحث و جدل علیه کسی که واقعیت را نمی پذیرد و بر نظریه ای نادرست اصرار موززد، مورد استفاده قرار می گیرد. کسی که این روش را به کار می گیرد لازم نیست حتماً اساس بحث خود را بر پایه قضایای صحیح قرار دهد، بلکه می تواند از قضایایی استفاده کند که مورد قبول شنونده یا گروهی از مردم باشد. علامه معتقد است که این آیه (نحل: 125) به مردم اجازه استفاده از هر نوع موعظه یا مباحثه ای نمی دهد. کسی که می خواهد از این روش ها برای برحذر داشتن مردم از شیطان استفاده کند، باید فردی شایسته و با خصوصیات پسندیده باشد و به عقاید دیگران احترام بگذارد. او باید شدیداً از توهین و اهانت به عقاید دیگران بپرهیزد. علاوه بر آن، به طور کلی، بهتر است مردم از بحث های مجادله ای بپرهیزند، مگر در پاره ای موارد، آن هم با استفاده از بهترین نوع مناظره. (12)

#### نقش فلسفه در تفسیر وحی

از نظر مرحوم طباطبائی، فلسفه علمی است که ما را در درک عمیق وحی یاری می دهد. (13) برخی موضوعات و مطالب فلسفی در قرآن و روایات یافت می شود که نظریات فلسفه یونان را تکامل می بخشد. بحث های علامه (رحمه الله) در باره احادیث فلسفی را می توان در گفتگوهای وی با هانری گربن (Henry corbin) یافت. وی در این گفتگوها موضوعات فلسفی مانند دلیل وجود خداوند و یگانگی او، صفات خداوند و رابطه آنها با ذات او را، که در احادیث شیعه مورد بحث واقع شده اند، شرح می دهد. (14) البته توجه به دو نکته در اینجا لازم است: نکته اول اینکه تنها در صورتی می توانیم عقاید فلاسفه یونان را بپذیریم که آنها را دقیقاً مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. (15) دومین نکته اینکه علامه به انتقاد از فلسفه ای می پردازد که سعی دارد مفاهیم آشکار آیات قرآنی را تغییر دهد و آنها را به دو روش، که مطابق باموضوعات فلسفی باشد، تفسیر نمایند. (16)

#### پاسخ به اشکالاتی که علیه منطق مطرح شده است

با توجه به اهمیت علم منطق، علامه طباطبائی (رحمه الله) این علم را به عنوان روش صحیح تفکر، که در کشف و درک وحی کاربرد دارد، معرفی می کند. وی در جلد پنجم المیزان در مورد اشکالات و سؤالاتی که علیه کاربرد منطق مطرح می شود، به بحث می پردازد. با مراجعه به پاسخ های وحی به این سؤالات، می توان به نظر وی در رابطه با علم منطق دست یافت. برخی از سؤالات بدین قرارند:

#### اشکال اول

از جمله اشکالاتی که علیه منطق مطرح شده این است که برخی برای تضعیف عقاید مردم از علم منطق بهره می جویند. علامه (رحمه الله) در پاسخ به این اشکال می گوید: #171؛ کسی که این استدلال را به کار می برد توجه ندارد که اگر فردی در راه نیل به مقاصد شیطانی یا اهداف ناشایست از روشی (مثلاً منطقی) بهره گیرد، مفهوم آن نادرستی شیوه نیست؛ درست مثل قسمی که برای کشتن یک فرد بی گناه یاد می شود.» (17) ظاهراً منظور علامه (رحمه الله) این است که قوانین و اصول مورد بحث در منطق را باید به عنوان ابزاری برای تفکر به کار بست. این ابزار ممکن است برای شرح یک عقیده درست یا خطا استفاده شود؛ درست مانند سوگندی که می تواند به سود یک انسان یا برای قتل فردی بی گناه به کار رود. در ابزار هیچ اشکالی وجود ندارد، اشکال در کسی است که این ابزار را برای مقاصد شیطانی مورد استفاه قرار می دهد. (18)

از نظر وی، هر نظریه صحیحی را که بر پایه منطق استوار است می توان پذیرفت، هرچند نظریه مذکور را یک فرد غیر مسلمان ارائه داده باشد. نظریه مطرح شده مهم است، نه کسی که آن را بیان می کند. بنابراین، لزومی ندارد که مسلمانان علومی نظیر منطق، فلسفه، ریاضیات و غیر آنها را تنها از استادان مسلمان بیاموزند. (19)

#### اشکال دوم

دومین اشکال طرح شده در برابر علم منطق آن است که ما نیازی به منطق یونانی نداریم؛ زیرا تمام نیازهای بشر را می توان از طریق قرآن و احادیث تأمین نمود. بنابراین، می توان به جای منطق یونانی به مطالعه منطق قرآن پرداخت.

علامه طباطبائی (رحمه الله) با اشاره به چند نکته به این مسأله پاسخ می دهد. ایشان می گوید: اگر قرآن حاوی اصول منطقی باشد، دست یابی به این اصول تنها از طریق مباحث طولانی ممکن است. (20)

به نظر می رسد که منظور وی از بیان این مطلب آن است که دست یابی به اصول منطقی قرآن و استخراج آنها از این کتاب آسمانی

تنها از طریق تحقیق و مباحثه ای موفقیت آمیز در آیات قرآنی ممکن است که لازمه این مسأله آگاهی کامل از علم منطق می باشد. بنابراین، برای کشف اصول منطقی قرآن باید از منطق رایج آگاهی کامل داشته باشیم. مرحوم علامه می فرماید: ما باید دو نکته را از یکدیگر تفکیک کنیم: نکته اول اینکه آیا قرآن یا احادیث به چیزی نیازمندند که آنها را تکمیل نماید؟ نکته دوم اینکه آیا مردم برای درک مفاهیم و حقایق این منابع الهی به نوعی ابزار نیازمندند یا خیر؟ پاسخ سؤال اول منفی و پاسخ سؤال دوم مثبت است، اما لازمه درک آنها ابزاری نظیر منطق است. بنابراین، نه فقط برای درک منطق قرآنی، بلکه برای کشف و پی بردن به هر موضوع قرآنی دیگر، نیازمند روشی استدلالی و درست نظیر منطق هستیم. (21) یکی از پاسخ های مشهور مرحوم طباطبائی به ایرادهای گوناگون علیه علم منطق آن است که کسانی که کاربرد منطق را مورد انتقاد قرار می دهند خود نیز آن را به کار می برند. اگر منطق مردود است، پس خود آنان هم نباید از آن استفاده کنند. (22)

شیوه علامه طباطبائی (رحمه الله) در زمینه موارد تعارض میان تعالیم وحیانی و استدلال عقلانی

#### الف) دلیل های شرعی

علامه (رحمه الله) بر این نکته تأکید دارد که تنها سه دلیل شرعی (حجج شرعیه) برای انسان ها وجود دارد: قرآن، حدیث و درک عقلانی. منظور وی این است که ما باید قوانین الهی را از طریق این سه منبع استخراج نماییم و در زندگی خود به کار ببریم. به نظر می رسد وی این سه منبع را نه فقط تنها دلیل های شرعی، بلکه تنها راه کشف حقیقت می داند. دلیل این مطلب آن است که وی در جای دیگر، دو وسیله برای دست یابی به حقیقت ذکر می کند: مذهب و فلسفه. (23) وی معتقد است فلسفه از طریق عقل و مذهب از طریق وحی حقیقت را کشف می کند. انسان از طریق قرآن و احادیث معتبر می تواند به وحی دست یابد. (24) علامه طباطبائی (رحمه الله) در این مورد به نقش علوم تجربی در درک واقعیت اشاره ای نمی کند، در حالی که کشف بخش عمده ای از حقایق تجربی جهان تنها از طریق ریاضیات، فیزیک، شیمی و سایر علوم تجربی ممکن است. در بخش دیگری از آثار ایشان، می توان به دیدگاه وی در این رابطه پی برد. ایشان به اهمیت علوم تجربی اذعان نموده و در عین حال، معتقد است که نتایج علوم تجربی در بیش تر موارد قطعی نیست. بنابراین، برای دست یابی به واقعیت نمی توان به آنها اطمینان کرد، مگر در مواردی که به نتایج کاملاً قطعی منتهی شوند.

#### ب) عدم امکان وجود تعارض میان نظریه قطعی عقل و وحی

می توان به عنوان مقدمه ای بر نظریه علامه (رحمه الله) در زمینه موارد تعارض میان وحی و عقل، این موارد تضاد را به دو گروه تقسیم نمود: در مواردی، عقل و شریعت، هر یک نظر خاصی ارائه می دهند و در مواردی فقط یکی از آنها نظریه خود را مطرح می کند. در مورد دوم نیازی به راه حل نیست، اما در مورد اول در صورتی که نظریه عقل با وحی در تضاد باشد، باید در پی یافتن راه حل بود.

به گفته علامه (رحمه الله) تضاد بین نتیجه قطعی وحی و عقل ممکن نیست. این نظریه را می توان از طریق قرآن و استدلال عقلی به اثبات رساند. دلیل قرآنی آن را می توان با مراجعه به آیاتی که عقل را به عنوان مدرکی شرعی معرفی کرده است، به دست آورد. استدلال عقلی آن نیز از دو مقدمه زیر تشکیل می گردد:

الف) قرآن و عقل ابزارهای گوناگونی برای دست یابی به حقیقت اند.

ب) وجود بیش از یک حقیقت در یک موضوع ممکن نیست. به عبارت دیگر، وجود در دو حقیقت متضاد در مورد یک موضوع غیر ممکن است. به عنوان مثال، اگر قانون علت و معلول را، که بیانگر ارتباطی خاص میان عامل به وجود آورنده و شیء ایجاد شده است، مورد ملاحظه قرار دهیم، از یکی از این دو حال خارج نیست: یا این حقیقت در این عالم وجود دارد و یا وجود ندارد. نمی توان گفت که این قانون هم وجود دارد و هم وجود ندارد. با توجه به این نکات، مرحوم علامه نتیجه می گیرند که ممکن نیست بین استنتاج قطعی عقل و وحی تضادی وجود داشته باشد. (25)

ایشان نظریه خود را در این زمینه، با بیان جزئیات بیش تری تشریح می کنند و علاوه بر کاربرد استدلال عقلی، از آیات قرآنی نیز بهره می جویند.

#### ج) راه حل موارد تضاد بین وحی و استدلال عقلانی

از نظر علامه (رحمه الله)، این تضاد در مورد استنتاج ظنی وحی و استنتاج قطعی عقل به چشم می خورد. در این زمینه، باید وحی را به روشی تفسیر کنیم که مطابق با عقل باشد. (26)

او در مورد تعارض میان نتیجه ظنی وحی و استنتاج قطعی عقل، ترجیح می دهد که استنتاج قطعی عقلی یا فلسفی را مقدم بدارد. دلیل این امر را می توان از طریق تفاوت بین متون مذهبی و مدارک منطقی یافت. استنتاج عقلانی در صورتی که بر مقدمات برهانی و یقینی مبتنی باشد قطعی است، در حالی که استنتاج حاصل از ادله شرعی غالباً قطعی نیست؛ زیرا اساس آنها درک ظاهری قرآن یا احادیث می باشد که نتایج ظنی دارند. درک ما از متون مذهبی ظنی است و در صورت تضاد بین استنتاج قطعی عقل و استنتاج ظنی وحی، استنتاج قطعی عقل ارجح است؛ چون درک قطعی بر درک غیر قطعی ارجح است. (27) n

پی نوشت ها

- 1- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة العالمی للمطبوعات، 1970، ج 5، ص 254 - 255 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، تهران، بنیاد فکری و علمی علامه طباطبائی، 1991، ج 5، ص 393 - 394
- 2 و 3- همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 7، ص 517 - 516
- 4- محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1983، ج 40، ص 128
- 5- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج 17، ص 329 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 17، ص 522
- 6- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج 14، ص 180 - 182 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 14، ص 127
- 7 و 8- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج 5، ص 254 - 256، و همان ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ص 393 - 395
- 9- خواجه نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1987، ص 342
- 10- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج 12، ص 198 401 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 12، ص 571 - 574
- 11 و 12- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج 12، ص 398 401 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 12، ص 571 - 574
- 13- سید محمدحسین طباطبائی، شیعه، ص 119 120
- 14 و 15- پیشین، ص 118 - 120، ص 57
- 16- یادنامه علامه طباطبائی، محمد عبدخدایی، &#171قرآن و حکمت»، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیق فرهنگی، 1983، ص 209 208
- 17 و 18- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، همان، ج 5، ص 275 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 5، ص 398
- 19- سید محمدحسین طباطبائی، شیعه، ص 57
- 20 و 21- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 257-258 و همان، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، ج 5، ص 399-400
- 22- محمد عبدخدایی، همان، ص 228 313
- 23- سید محمدحسین طباطبائی، شیعه، ص 52
- 24- پیشین، ص 52 53
- 25 و 26 و 27- پیشین، ص 52 53

منبع: / ماهنامه / معرفت / شماره 26، ویژه نامه تفسیر و علوم قرآن  
نویسنده: ابوالفضل ساجدی